

زمین را مژده شادی ز عرش کبریا آمد
که خورشید جهان آرا علی شیر خدا آمد
فلک از دیده ی روشن به باغ لاله و لادن
ستاره ریخت از دامن ، که آن نور هدی آمد
وصی پاک پیغمبر ، امیر مومنان حیدر
شبستان ولایت را فروغ هل اتی آمد
ز جا برخیز و شادی کن که آن نورجلی آمد
علی آمد ، علی آمد ، علی آمد ، علی آمد
حلیم کعبه نورش شب تاریک چراغان شد
صفا و مروه از رویش به چشم دل گلستان شد
عدو در کارزار او ، شکست از ذولفقار او
عدالت در کارکار او ، ستم در پرده پنهان شد
ره دین رسم و راه او ، اسیران در پناه او
خدا باشد گواه او که حق را عین برهان شد
ز جا برخیز و شادی کن که آن نورجلی آمد
علی آمد ، علی آمد ، علی آمد ، علی آمد